

در حاشیه دریافت جایزه اتحادیه های کارگری هند

رضا شهابی زکریا

شنبه نوزدهم بهمن ۱۳۸۷

اهدای جایزه اتحادیه های هند در شرایطی به آقای اسالو وسندیکای واحد تعلق گرفت که سندیکا و همکارانشان در داخل کشور از حمایت رسانه های گروهی محروم هستند و برای به رسمیت شناختن سندیکای کارگران شرکت واحد، بازگشت به کارمان، لغو احکام غیر عادلانه و آزادی همکارانمان، نیاز تبلیغاتی و حمایتی بیش از هر زمانی دیگر لازم است. اما افرادی خارج از سندیکا که هیچگونه مسئولیتی یا ارتباطی با این تشکل مستقل ندارند سوء استفاده هایی کرده اند که لازم دیدم توضیحاتی در این مورد ارائه دهم:

به قول ضرب المثلی که می گوید به نام ما و به کام دیگران، واقعا عنوان کننده شرایط روزگار ماست. ما با وجود اینکه میدانستیم در اینجا اگر پا به عرصه مبارزات بگذاریم، باید آماده شویم برای پرداخت هزینه که کمترین آن دستگیری، بیکاری، آوارگی و زندان و غیره است.

پس هزینه را همه باید میپرداختیم ولی عده ای مغرضانه در حال تمایز قائل شدن هستند و دلیل هم دارد، و با این عنوان که مثلا "فلان کس در جنبش بیشتر هزینه داده پس باید مقبول تر باشد را بزرگ میکنند. فعالین سندیکای واحد در راه ساده ترین حقوق کارگری مبارزه کرده اند که حتی در فلسطین، عراق و افغانستان اشغالی هم به رسمیت شناخته شده است اما عده ای در حال رهبر پروری هستند که در زیر به آن میپردازم.

کسانی که برای ما دایه بهتر از مادر شده اند بدانند که ما در جریان تمام کارهایشان هستیم و در شرایط مناسب به این موضوع خواهیم پرداخت چرا که اهدافشان برای ما هر روز روشن تر میشود. این اشخاص و نهادها در ایران و خارج شاید به ظاهر خود را همراه تشکل مستقل کارگری نشان میدهند اما این پوششی است برای پیش برد پروژهای بزرگ سیاسی اشان، چرا که این سوژه را بیشتر برای کسب و کار خویش و در اصل برای استفاده های سیاسی در نظر گرفته اند. این افراد در دوره قبلی ریاست جمهوری فضا را بکام خویش می دیدند و بعد از آن دوران و از دست دادن منافع خودشان برای بازگشت به آن همکاری میکنند زیرا آن دوران طلایی برای آنها از لحاظ اجتماعی مراتبی را برایشان بوجود آورده بود. آنها امروز از دایره قدرت در ایران خارج شده و باصطلاح در دایره قدرت در جای دیگری قرار گرفته اند. نمونه فراوان آن را در چند سال گذشته بوفور دیده ایم، کسانی که خود را پرچمدار آزادی خواهی نوع دو خرداد قلمداد میکردند از این بلبشو سیاسی استفاده کرده اند و در عرض چند روزیا دردانشگاهی غربی سرکار حاضر شدند و یا در نهادهای وابسته به دولتهای سرکوبگر صاحب شغل شدند و نئولیبرال مسلکانه خود را منجی آزادی ایران به نمایش گذاشته اند و بجای اینکه جواب گوی کارهایشان در شرایطی که در قدرت بوده اند باشند، تازه به ما درس استقلال هم میدهند، ولی دریغ از یک جو شعور که بدانند که مردم ایران آنها را جوییده و تف میکنند. امروز در مقایسه با دهه شصت زندانی بودن فضیلت بشمار نمیاید و مظلوم نمایی برای زندان بودن یعنی ارزش

مبارزه را به تحقیر کشیدن است. چیزی که من معتقد هستم آقای اسالو هم با من هم عقیده است و مخالف این نوع کارهایی که به اسم ایشان میشود بوده وهست و در تمام این مدت که در زندان بوده از خود ضعف نشان نداده و مبارزه کارگری را ادامه داده است، ولی متاسفانه بودن ایشان در زندان راه ارتباط اصولی ما را با او محدود کرده و دشمنانی که در لباس دوست هستند برای ایشان و سندیکا مشکل درست میکنند. چرا که هستند کسانی که با بزرگ کردن آقای اسالو میخواهند از ما باج بگیرند، و در خفا سندیکا را در منگنه قرار دهند و با برخ کشیدن دوستی و ارتباط با اسالو ما را زیر فشار بگذارند. ما امیدواریم آقای اسالو هر چه زودتر آزاد شود تا در یک فضای مناسب این بحثها را انجام دهیم. کسانی که از این آب گل آلود استفاده میکنند بدانند که، نه آقایان «اسالو و مددی»- <گنجی و سازگارها> هستند و نه فعالین سندیکای واحد محمدی، عطری و داوری. چرا که نه هزاران فعال سندیکای واحد از آن تحصیلات عالی برخوردارند و نه حاضرند شرف خود را بفروشند و در بنگاههای کاریابی دشمنان طبقه کارگر رتق و فتق روزگار کنند. چرا که در سه سال گذشته ما شاهد این کشاکش بودیم و هستیم که کسانی که تمایل دارند از طریق راه رشد غیر سرمایه دارانه خودشان ما را به مسلخ نهادهای کارگری دولتی ایران و در آن طرف در بنگاههای پست دشمن طبقه کارگر ببرند. کسانی که همیشه پشتوانه اقتصادی و امنیتی را دارا هستند، چه زمانی که در اینجا بودند و هستند در زندگی مرفه اند و چه در خارج ولی یک چیز را ول نمیکنند آنهم ارتباط با قدرت است.

در رابطه با جایزه اتحادیه هلند هم بگویم که همیشه رسم بر این بوده است که در زمانی که کسی یا نهادی را کاندید میکنند از آن نهاد اجازه میگیرند، که در رابطه با کاندید شدن در چند جایزه قبلی هم این کار شد و هیئت مدیره تایید یا رد میکرد، در رابطه با جایزه اتحادیه هلند هم همین بود که آقای اسالو در زندان بود و ما به آی تی یو سی و آی تی اف هم همین پیشنهاد را دادیم که اسم ایشان باشد تا کمکی باشد برای آزادی ایشان در سطح داخلی و بین المللی اما متاسفانه دوستان فرصت طلب از این شرایط استفاده کردند برای عقده گشایی مسائل سابق خودشان. و هنوز هم ماجرای سایت را ول نمیکنند و شخصی که در آن اطلاعیه سندیکا از آن اسم برده شده همچنان از طریق همکاران داخلی و خارجی برای سندیکا در حال مشکل سازی است که بزودی با مشورت وکلا تکلیف ایشان را روشن میکنیم. نمونه زشت تراز آن عمل سایت روز آنلاین و خبرنگار آن آکام مگری است که یکشنبه کارشناس مسائل کارگری از کار درآمد. البته ایشان که طبق کارهای سابق اش معلوم است از کسانی است که هر روز معطل حمله نظامی امریکا به ایران هستند تا ایشان و همکارانشان به ایران برگردند و ریاست بکنند که در این مصاحبه صداقت خبرنگاری اش را برجسته کرد. ایشان مصاحبه ای بسیار زیرکانه که تزیین بخش سایتهای همکارشان هم هست را انجام داده و در مصاحبه با همسر آقای اسالو اینطوری جلوه میدهند که همسر اسالوبی خبر هستند: **"من هم هنوز خبر ندارم والله که این جایزه اهدا شده یا نشده! یعنی کم و کیفش را نمی دانم اما به من گفته بودند که هفته آینده کنگره ای در هلند برگزار می شود و قرار است این جایزه رسماً اهدا شود."** **"از اینکه همسرم تنها نیست و فعالان کارگری در جاهای مختلف از او و رنجها و مشقتهایی که متحمل شده حمایت می کنند، احساس دلگرمی می کنم."** **"خانواده منصور اسانلو در یک سال گذشته که این جایزه به ایشان تعلق گرفت، اصلاً مورد مشاوره قرار نگرفته بودند تا اینکه هفته گذشته از طریق کنفدراسیون اتحادیه های کارگری این موضوع به خاتم اسانلو اطلاع داده شد. ایشان هم در تماسی با منصور اسانلو، نظر رئیس سندیکا و برنده این جایزه را به هلند با ارسال پیام کوتاه وی اعلام داشت. منصور اسانلو خواسته بود که**

این جایزه در هلند بماند و مادر ایشان در سفری به هلند در مورد نحوه هزینه کردن پول همراه جایزه، نظر منصور اسانلو را بگوید. اما به گفته مسئولین کنفدراسیون اتحادیه های کارگری چون خانواده منصور اسانلو در جریان نبودند و امکان تماس با ایشان وجود نداشت، این کنفدراسیون نتوانست نظر اسانلو را تأمین کند."

جالب است که این مصاحبه طوری ترتیب داده شده که چند موضوع را مطرح کند. اولاً خانواده اسالو از جایزه بی خبر هستند. دوماً ارتباطی با سندیکا ندارند و سوما دروغ میگویند که این جایزه سندیکا بوده است و مهمتر اینکه پیام رئیس سندیکا مستقیماً توسط خود اتحادیه های هلند انعکاس پیدا کرده است. من نیازی نمیبینم که بطور دقیق به تمام نکات این پروسه بپردازم چون هم سندیکا و هم آقای اسالو و هم وکلا در جریان تمام این مسائل بودند و هستند و این سندیکا هست که تصمیم میگیرد که چه کار بکند یا نکند و حتی مصاحبه آقای مهدی کوهستانی هم که بروی سایت سندیکا است یعنی تایید صحبت های ایشان، چرا که سندیکا به او گفته بود چه بگوید. اگر جایزه ای تا بحال داده شده تماماً به زحمات خود فعالین سندیکا بر میگردد و اگر همسر اسالو خودش را به نا آگاهی میزنند مشکل ایشان هست. ما میفهمیم در دادگاهها دائم به او گفته میشود که اگر اسالو دست از کار سندیکایی بردارد ما آزادش میکنیم ولی این رسم اش نیست که آزادی اسالو را به قیمت خراب کردن دیگر همکارانش مهیا سازد. اگر با گفتن عدم ارتباط با سندیکا آقای اسالو آزاد میشود هیئت مدیره میتواند این را کتبا به شما و قاضی بدهد چون ما حاضر نیستیم کسی یک لحظه در سختی باشد برای فعالیت سندیکایی و تمام کار ما برای بهتر شدن زندگی دیگران است نه سخت کردن زندگی کسی. اما متأسفانه در جامعه ما فعالیت بها دارد تازه تمام فعالین کارگری شانس آورده اند اگر در دوران سالهای شصت بود شاید الان دار فانی را وداع گفته بودیم با سندیکا بودن در کنارش کارکردن باعث افتخار است نه سرافکندگی. این را من به همه قول میدهم که اسالو اگر اهل کوتاه آمدن بود به ایران برنمیگشت، شاید امروز در ایران معیار ارزش پول است و شما احساس کردید باید پول جایزه به دست شما برسد ولی ما تمام پولی که از این جایزه که در اصل وجه نقدی ندارد را به شما پیشکش میکنیم. چرا که ما به نظر وکیل سندیکا احترام میگذاریم و ایشان همیشه گفته که کار سندیکا یعنی انجامش توسط خود فعالین سندیکا باید شکل بگیرد. شاید کسانی فکر میکردند ما به دنبال آنها میرویم، ولی امروز فعالین سندیکای واحد فعالین پنج سال پیش نیستند، فقط کافی است مقالات، سخنرانیها و مصاحبه های اعضای سندیکا را ببینید و بشنوید تا موضوع دستتان بیاید. ما بارها به همه گفتیم که مطالب اسالو و خانواده اش را حتماً در سایت میگذاریم ولی کسانی که پشت پرده هستند موش میاندازند که به آنها هم بزودی میپردازیم از این کار جلوگیری کردند. فعالین سندیکای واحد دیگر چیزی ندارند که از دست بدهند و محافظه کاری بکنند.

اینکه فکر کنیم اگر کسی در جنبشی معروف میشود بخاطر وجود خودش بوده است کاملاً اشتباه است. این موضوع که در کشورهای مثل ایران بت سازی و رهبر ساختن امری است فرهنگی و سیاسی بحثی جدا را میطلبد ولی از یادمان نرود که امثال ستار خان، باقر خان و مصدق و بسیاری از رهبران ایران بواسطه جنبشی که به آن متعلق بودند مشهور شدند نه شخصیتشان، صالحی، اسالو و مددی و هرکس دیگری هم تافته جدا بافته از این امر نیستند. در رابطه با اسالو هم او به واسطه تشکلی معروفیت پیدا می کند که تمام اعضایش با همه هزینه ها ایستادگی کرده اند، و هم رزمایش بیرق این حرکت را استوار نگه داشته اند اگر به تشکل سندیکای شرکت واحد نگاه کنیم آقایان منصور اسالو و ابراهیم مددی را در سالهای قبل از تشکیل سندیکا چه کسی می شناخت مگر غیر از این است که با حضور کارگران

شرکت واحد و مخصوصاً" این تعداد کارگری که در حال حاضر از کار باز مانده اند باعث شناخت داخلی و جهانی برای ایشان شده اند در این راستا تعداد زیادی از کارگران دستگیر ، زندانی و از کار بی کار شدند ولی رئیس و نایب رئیس سندیکا هزینه بیشتری را متحمل شده اند هستند بقیه اعضا با وجود اینکه در زندان نیستند ولی از بسیاری حقوق بازمانده اند و گروهی سایه زندان های تعلیقی از ۶ ماه تا ۱۴ ماه را روی سر خود می بینند اما هزینه هایی بالاتر از زندان داده اند پس دیگر نیازی نیست بر سر کسانی که با صداقت تمام در این راه پا گذاشته اند منت گذارند.

فروتنی آقای مددی و خانم مددی یکی از افتخارات سندیکای واحد است. خانم مددی تا به امروز نه مصاحبه ای کرده است و نه ادعایی دارد که شوهرش برای کی و چی زندان است. اگر شرایط خانم مددی بدتر از خانم اسالو نباشد بهتر هم نیست. آنهایی که در خارج گود هستند چرا آتش بیار معرکه میشوند. آقای مددی بعد از دستگیری اخیرش در دادگاه خودش به من گفت تمام کار هایتان را دنبال میکنم خسته نباشید و حمایت ثرت را بگیرد. ایشان در تمام این مدت که مریضی داشت یکبار حاضر نشد که ما آن انعکاس دهیم و واقعا یکی از مبارزان جدی مبارزات کارگری این دوره ایران است.

مگر سندیکا روابط عمومی ندارد مگر طی این ۳ سال گذشته خللی در کار های اخبار رسانی سندیکا وجود داشته ، تمام مشکل ما این بوده که مستقل بوده ایم و زیر بیرق هیچ حزب، دولت و نهادی نرفتیم. ما انتظار داریم دیگرانی که صداقت کار سندیکا را دیده اند یاری مان کنند تا این مرحله را بگذرانیم. جنبش مستقل کارگری چه در داخل و چه در خارج بجای اینکه به همدیگر وصله بزنند و همدیگر را مزدور امپریالیسم خطاب کنند (چرا که بانیان این تئوری امروز در شوهای تلویزیونی دم از علل پراکندگی جنبش کارگری میزنند و فراموش کرده که خودشان این فضا را مسموم و آلوده کرده اند) و بر سر اختلافات کوچک و ایدئولوژیک همدیگر را اطلاعاتی و پلیس معرفی کردند در این دوره باید دست در دست هم بگذارند و مبارزه ای را پیش ببرند که دهها میلیون کارگر ایرانی شب را گرسنه نخوانند و بچه هایشان تن فروشی نکنند. انتقاد از عملکرد اشتباه نه تنها اشکال ندارد بلکه ضروری نیز هست، بجای جلو رفتن و پافشاری برای درست بودن اعمالی که جای هزار اما و اگر دارد یکبار انتقاد از خودمان بکنیم و مبارزه را جلو ببریم. نه سندیکا در ایران سد راه مبارزه عدالت خواهانه است و نه طرفداران نهادهای سیاسی قادر به تغییرات بنیادی هستند پس ضروری است در این مقطع دست در دست هم بگذاریم و کارهای بنیادی را پیش ببریم. تشکل مستقل در یکصد سال گذشته در ایران همیشه آماج حملات قدرت مداران بوده است و جای تعجبی هم برای ما ندارد که این نفس مبارزه مستقل است

در آخر می خواهم به کسانی که تصمیم به دفاع از حقوق کارگران دارند بگویم که در این راه مسائل و مشکلات عدیده ای از جمله دستگیری ، ضرب و شتم و زندان و وجود داشته و دارد بنابراین نباید با تحمل این همه مشقت به خاطر یک یا دو جایزه حرکتش را زیر سوال ببرد ، سوال اینجاست آیا اینان وقتی پا به میدان می گذارند به خاطر این جایزه هاست. پس اگر اینگونه نیست تقاضا می کنم با آبروی جنبش بازی نکنید .

با امید به اصلاح همه افکار منحرف

رضا شهابی زکریا- ۱۷ بهمن هشتاد و هفت